

چگونه
سرزمین اسرائیل
اختراع شد
از سرزمین مقدس
تا مام وطن

نویسنده: شلومو ساند
ترجمه: بهروز عارفی



فهرست

- سخنی کوتاه با خوانندگان ۹
- سخن مترجم ۱۰
- سخن نویسنده با خوانندگان فارسی زبان ۱۳
- پیش درآمد ۱۷
- وطن سازی ۵۹
- "اسطوره سرزمین" ۱۱۳
- به سوی صهیونیسم مسیحی ۱۸۷
- صهیونیسم در برابر یهودیت ۲۷۱
- پایان سخن ۳۸۱
- سخن آخر، روستایی برای حافظه ۳۸۷
- واژه نامه ۴۱۹

وطن سازی

ضرورت زیست‌شناختی و مالکیت ملی

کشور چیست؟ خلاصه کنیم، تکه زمینی که از هر طرف با مرزهای عموماً قراردادی محاط شده است. انگلیسی‌ها حاضرند برای انگلستان بمیرند. آمریکایی‌ها برای آمریکا می‌میرند، آلمانی‌ها برای آلمان و روس‌ها برای روسیه. در حال حاضر، پنجاه یا شصت کشور در جنگ درگیرند. این کشورها بی‌شک همه شایستگی ندارند که کسی برایشان بمیرد.

جوزف هلر، کج ۲۲، ۱۹۶۲

مرزهای خارجی کشور، باید حامی و بازتابی از شخصیت جمعی درونی فرض شود که هر فردی در خود دارد و به مدد آن می‌تواند در زمان و مکان کشور به مثابه «خانه خود» همیشه و همه وقت زندگی کند.

اتین بالیبار، «شکل ملت: تاریخ و ایدئولوژی، ۱۹۸۸»

مسئله ساختار میهن مدرن در بحث‌های نظری درگیر در اواخر قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم درباره ملت و ملیت، جایگاهی عمدتاً حاشیه‌ای دارد. پژوهشگران برای فضای سرزمینی، به عبارت دیگر به «سخت افزار» یعنی جایی که حاکمیت ملت در آن تحقق می‌یابد، همان میزان توجهی را قایل نشده‌اند که برای روابط میان فرهنگ و حاکمیت سیاسی و یا نقش اسطوره‌های تاریخی در شکل‌گیری پیکر ملی. با این حال، همان‌گونه که تحقق طرح ایجاد یک ملت، نیازمند یک دستگاه دولتی و یک گذشته تاریخی از نو ابداع شده است، به یک سرزمین ژئوفیزیکی خیالی نیز نیاز دارد تا به عنوان نقطه اتکا و ابزار مطالبه دائمی، بدان متوسل شود.

آیا برای این فضا و مکان بود که هوراس^۲ در زمان خود گفت: که «دلپذیراست، زیباست مردن»؟^۳ در دویست سال گذشته، مبلغان مقولهٔ ملت از این نقل قول مشهور به بسیاری از زبان‌ها و به شکل‌های گوناگون استفاده کرده‌اند، بدون این که همان معنای مورد نظر شاعر نامدار رومی یک قرن پیش از میلاد را به آن بدهند.

بسیاری از اصطلاح‌های رایج در روزگار ما از زبان‌های قدیمی گرفته شده‌اند، به همین جهت دشوار است که محتواهای ذهنی گذشته و حساسیت‌های زمان حال را از هم تمیز داد. خطر نابهنگامی تاریخی^۴ دربارهٔ همه مفهوم‌سازی‌هایی که با یک فعالیت تاریخ‌نگاری جدی همراه نیست، وجود

^۱ -hardware

^۲ -Horace

^۳ -*Dulce et decorum est pro patria mori, Horace, Odes, livre III, 2, 13, Paris, Les Belles Lettes, 1954, p.97.*

^۴ -Anachronisme

درد. مفهوم «میهن» احتمالاً در همه زبان‌ها وجود دارد، بدون این که حتماً معنای واحدی داشته باشند.

در گویش‌های یونانی قدیمی، واژه *patrida πατρίδα* و کمی بعد، پاتریس *Πατρίς patris* دیده می‌شود که در لاتین باستانی به شکل *patria* وارد شده است. بی شک، منشأ این واژه، از نظر دستوری اسم *pater* (پدر) است. این واژه‌شناسی (ترمینولوژی) «پاترنل» [پدرانه] مهرش را به چند زبان اروپایی مدرن هم زده است: *la patria* ایتالیایی، اسپانیولی و پرتغالی، *la patrie* فرانسه و چند نوع از شاخه‌های زبان رومی. خویشاوندی از طریق پدر در لاتین را در زبان‌های انگلیسی (*fatherland*)، آلمانی (*vaterland*)، هلندی (*vaderland*) می‌گویند. به موازات آن، واژه‌های مترادف، نسبت مادری را ترجیح می‌دهند (*motherland* در انگلیس) یا حتی همانندسازی میهن در استناد به خانه یا کانون مثل *homeland* در انگلیسی و *Heimat* به آلمانی (که در بیدیش *Heimland* را داده است). در زبان عربی، برعکس، میهن (وطن) به لحاظ ریشه شناختی با «میراث» نزدیکی دارد.

دانشمندان صهیونیست مخترع عبری مدرن، که زبان روسی (و یا بیدیش) زبان مادری اکثریت و ناقل فرهنگی آنان بود، واژه *moledet* را از کتاب مقدس به عاریت گرفته‌اند، که به احتمال قریب به یقین از واژه روسی *rodina Родина* الهام گرفته و معنایش به زادگاه یا خاستگاه خانواده ارجاع می‌دهد. *Rodina* در مقیاسی گسترده‌تر، به *Heimat* آلمانی، و پژواک حسرت رمانتیک (و شاید